بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سایت اینترنتی گلزارنور

http://golzarenoor.ir

زیارت امیر المؤمنین علیه السلام توسط خضر پیامبر علیه السلام در روز شهادت حضرت

به سند معتبر روایت شده است که حضرت خضر علیه السلام در روز شهادت امام علی علیه السلام شتابان به سوی منزل ایشان آمدند وبا چشمی گریان با سرعت آمد وبر در خانه حضرت ایستادند و

و بسیاری از فضایل آن حضرت را برشمرد که قریب به عباراتی است که در زیارت قبلی (زیارت روز و شب مبعث) در روز شهادت امیرمؤمنان(علیه السلام) نیز خوانده شود. (از باب تأسّی به جناب خضرعلیه السلام):

رَحِمَکَ اللهُ یا اَبَا الْحَسَنِ، کُنْتَ اَوَّلَ الْقَوْمِ اِسْلاماً، وَاَخْلَصَهُمْ ایماناً، وَاَشَدَّهُمْ یَقیناً، وَ اَخْـوَفَـهُـمْ للهِ

خدایت رحمت کند ای ابوالحسن که تو نخستین مردم بودی در پذیرفتن اسلام و خالص ترین آنها بودی در ایمان و محکمترین آنها در یقین و ترسناک ترینشان از خدا.

می توان این زیارت را در شب و روز شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر اوقات خواند.

متن زیارت امیر المؤمنین علیه السلام توسط خضر پیامبر علیه السلام در روز بیست و یکم ماه رمضان

رَحِمَكَ اللهُ يا أَبَا الْحَسَنِ كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلاماً وَأَخْلَصَهُمْ إِيْماناً وَأَشدَّهُم يَقِيناً وَأَخْوَفَهُمْ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعْظَمَهُمْ عَناءً وَأَحْوَطَهُمْ عَلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآمَنَهُمْ عَلَى أَصْحابِهِ وَأَفْضَلَهُمْ مَناقِبَ وَأَكْرَمَهُمْ (وَأَكْثَرَهُمْ)سَوابِقَ وَأَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً وَأَقْرَبَهُمْ مِنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَشْبَهَهُمْ بِهِ هَدْياً وَخُلُقاً ومنطقاً وَسَمْتاً وَفِعْلاً وَأَشْرَفَهُمْ مَنْزِلَةً وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ فَجَزاكَ اللهُ عَنِ الإِسْلامِ وَعَنْ رَسُولِ اللهِ (رسوله) صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَنِ الْمُسْلِمِينَ خَيْراً قَوِيْتَ حِيْنَ ضَعُفَ أَصْحابُه وَبَرَزْتَ حِيْنَ اسْتَكَانُوا وَنَـهَضْتَ حِيْنَ وَهَنُوا وَلَزِمْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ اللهِ إِذْ هَمَّ أَصْحابُهُ وَكُنْتَ خَلِيْفَتَهُ حَقّاً

خدایت رحمت کند ای ابوالحسن تو از همه مردم پیشتر به اسلام گرویدی و در ایمان با اخلاصترین فرد از نظر ایمان بودی و یقین تو محکمترین بود و از همه مردم باتقواتر بودی و از همه بیشتر رنج کشیدی و از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیشتر محافظت نمودی و امین ترین اصحاب بودی.

مناقبت از همه برتر و سوابقت از همه شریفتر و منزلت تو از همه رفیعتر بود و به پیغمبر (صلی اللَّه علیه و آله) از همه نزدیکتر و از نظر روش و اخلاق و طریقه و کردار به آن حضرت شبیه تر بودی و مقامت از همه شریفتر بود و نزد رسول الله (صلی اللَّه علیه و آله) از همه گرامیتر بودی. خدا ترا از جانب اسلام و پیغمبر و مسلمین پاداش خیر دهد، توانا بودی هنگامی که اصحاب پیغمبر ضعیف بودند و زمانی که خواری و زبونی از خود نشان دادند، تو به میدان آمدی و موقعی که سستی ورزیدند، تو قیام کردی و آنگاه که اصحابش به انحراف گرویدند، روش رسول خدا (صلی اللَّه علیه و آله) را در پیش گرفتی، خلیفه بر حق او بودی

لَمْ تُنازَعْ وَلَمْ تُضْرَعْ بِرَغْمِ الْمُنافِقِينَ وَغَيْظِ الْكافِرِينَ وَكُرْهِ الْحاسِدِينَ وَصِغَرِ (وضِغْنْ) الْفاسِقِينَ فَقُمْتَ بِالأَمْرِ حِيْنَ فَشِلُوا وَنَطَقْتَ حِيْنَ تَتَعْتَعُوا وَمَضَيْتَ بِنُورِ اللهِ إِذْ وَقَفُوا فَاتَّبَعُوكَ فَهُدُوا(فَلَوْ اتَّبَعُوكَ لَهُدُوا)

وَكُنْتَ أَخْفَضَهُمْ صَوْتاً وَأَعْلاهُمْ قُنُوتاً وَأَقَلَّهُمْ كَلاماً وَأَصْوَبَهُمْ نُطْقاً وَأَكْبَرَهُمْ رَأْياً وَأَشْجَعَهُمْ قَلْباً وَأَشَدَّهُمْ يَقِيناً وَأَحْسَنَهُمْ عَمَلاً وَأَعْرَفَهُمْ بِالأَمُورِ كُنْتَ وَاللهِ يَعْسُوباً لِلدِّيْنِ أَوَّلاً وَآخِراً الأَوَّلُ حِيْنَ تَفَرَّقَ النَّاسُ وَالآخِرُ حِيْنَ فَشِلُوا

بی چون و چرا [و به نزاع برنخاستی] و در برابر زبونی منافقان و خشم کافران و بدآمدن حسودان و خواری فاسقان، ناتوانی نشان ندادی. زمانی که همه سست شدند، تو به امر خلافت قیام کردی و چون از سخن گفتن ناتوان شدند، سخن گفتی و چون توقف کردند، در پرتو نور خدا گام برداشتی، آنگاه از تو پیروی کردند و هدایت یافتند. و تو از همه خوش زبانتر و خدا را فرمانبردارتر [عاقبت اندیشتر] و کم سخنتر و درست گفتارتر و بلندنظرتر و دلیرتر بودی و یقین تو از همه بیشتر بود و از همه نیکوکردارتر و آشناتر به امور بودی. تو به خدا در ابتدا و انتها رئیس و بزرگ دین بودی: ابتدا زمانی بود که مردم پراکنده شدند (بعد از شهادت پیغمبر (صلی اللَّه علیه و آله)) و انتها زمانی بود که مستأصل شدند. (بعد از قتل عثمان)

كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَباً رَحِيماً إِذْ صارُوا عَلَيْكَ عِيالاً فَحَمَلْتَ أَثْقالَ ما عَنْهُ ضَعُفُوا وَحَفِظْتَ ما أَضَاعُوا وَرَعَيْتَ ما أَهْمَلُوا وَشَمَّرْتَ إِذِ اجْتَمَعُوا وَعَلَوْتَ إِذْ هَلَعُوا وَصَبَرْتَ إِذْ أَسْرَعُوا (جَزَعُوا)وَأَدْرَكْتَ أَوْتارَ ما طَلَبُوا وَنالُوا بِكَ ما لَمْ يَحْتَسِبُوا

كُنْتَ لِلْكافِرِينَ عَذاباً صَبّاً وَنَهْباً وَلِلْمُؤْمِنِينَ عَمَداً وَحِصْناً (غَيْباً وَخَصْباً) فَطِرْتَ وَاللهِ بِنِعْمائِها وَفُزْتَ بِحِبائِها، وَأَحْرَزْتَ سَوابِقَها وَذَهَبْتَ بِفَضائِلِها لَمْ تَفْلَلْ حُجَّتُكَ، وَلَمْ يَزِغْ قَلْبُكَ وَلَمْ تَضْعُفْ بَصِيرَتُكَ وَلَمْ تَجْبُنْ نَفْسُكَ وَلَمْ تَخُنْ، كُنْتَ كَالْجَبَلِ لا تُحَرِّكُهُ الْعَواصِفُ

برای مؤمنان پدر مهربان بودی زمانی که تحت سرپرستی تو در آمدند، بارهای گرانی را که آنها از کشیدنش ناتوان شدند، به دوش گرفتی و آنچه (را از امور دین) تباه ساختند؛ محافظت نمودی و آنچه را (از احکام و شرایع) رها کردند، رعایت فرمودی و زمانی که زبونی کردند [به گردآوردن دنیا حریص شدند] دامن به کمر زدی. زمانی که بیتابی کردند، بلندی گرفتی و زمانی که شتاب کردند، صبر نمودی و انتقام هر خونی را که مي خواستند تو گرفتی (برای مسلمین از کفار خونخواهی کردی) و از برکت تو به خیراتی رسیدند که گمانش را نداشتند، بر کافران عذابی ریزان و رباینده و برای مؤمنان پشتیبان و سنگر بودی، به خدا همراه نعمتهای خلافت [مصیبتهایش] پرواز کردی [آفریده شدی] و به عطایش [یعنی عطای

الهی] کامیاب گشتی و سوابقش را احراز کردی و فضائلش را به دست آوردی، شمشیر حجت و دلیلت کند نبود و دلت منحرف نگشت و بصیرتت ضعیف نشد، هراسان نگشتی و سقوط نکردی. تو مانند کوه بودی که طوفانش نجنباند

وَكُنْتَ كَما قَالَ صَلّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آمَنَ النَّاسُ فِي صُحْبَتِكَ وَذاتِ يَدِكَ، وَكُنْتَ كَما قَالَ صَلّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ضَعِيفاً فِي بَدَنِكَ قَوِيّاً فِي أَمْرِ اللهِ مُتَواضِعاً فِي نَفْسِكَ عَظِيْماً عِنْدَ اللهِ كَبِيراً فِي الأَرْضِ، جَلِيلاً عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ، لَمْ يَكُنْ لأَحَدٍ فِيكَ مَهْمَزٌ وَلا لِقَائِلٍ فِيكَ مَغْمَزٌ وَلا لأَحَدٍ فِيكَ مَطْمَعٌ وَلا لأَحَدٍ عِنْدَكَ هَوادَةٌ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ عِنْدَكَ قَوِيٌّ عَزِيْزٌ حَتَّى تَأْخُذَ لَهُ بِحَقِّه وَالْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ عِنْدَكَ ضَعِيْفٌ ذَلِيلٌ حَتَّى تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقَّ وَالْقَرِيْبُ وَالْبَعِيدُ عِنْدَكَ فِي ذلِكَ سَواءٌ شَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصّدْقُ وَالرّفْقُ، وَقَوْلُكَ حُكْمٌ وَحَتْمٌ وَأَمْرُكَ حِلْمٌ وَحَزْمٌ وَرَأْيُكَ عِلْمٌ وَعَزْمٌ فِيْما فَعَلْتَ(فَأَقْلَعْتَ)، وَقَدْ نَهَجَ بِكَ السَّبِيلُ وَسَهُلَ بِكَ الْعَسِيْرُ وَأُطْفِئَتْ بِكَ النِّيرانُ وَاعْتَدَلَ بِكَ الدّيْنُ، وَقَوِيَ بِكَ الإِسْلامُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَبَقْتَ سَبْقاً بَعِيداً وَأَتْعَبْتَ مَنْ بَعْدَكَ تَعْباً شَدِيْداً

و همچنان بودی که پیغمبر (صلی اللَّه علیه و آله) فرمود: «در رفاقت و دارائی خویش امانت نگهدارترین مردم است.» و باز چنان بودی که فرمود: در انجام امور مربوط به جسمی ضعیف و در انجام امر خدا قوی است، نزد خود فروتن و نزد خداوند بزرگ است. در روی زمین بزرگ و نزد مؤمنین شریف بودی، هیچ کس را درباره تو راه عیبجوئی نبود و هیچ کس نمی توانست بر تو خرده بگیرد. [و کسی در تو طمع نمی کرد.] و برای هیچ کس نرمی و مجامله نمی کردی، هر ناتوان و زبونی نزد تو توانا و عزیز بود تا حقش را برایش بستانی و هر توانای عزیز، نزدت ناتوان و زبون بود تا حق را از او بستانی و در این موضوع، خویش و بیگانه نزدت برابر بود، شأن و شخصیت تو بر اساس حق و راستی و مدارا بود. در هر کاری گفتارت حکم و ثابت و فرمانت با خویشتن داری و دور اندیشی همراه بود و رأی تو با علم و عزم راسخ بود. و هر آینه راه راست روشن گشت و امر مشکل آسان شد و آتشها خاموش گشت و دین به وسیله تو راست شد و اسلام قوت یافت و امر خدا ظاهر شد، اگر چه کافران دوست نداشتند و اسلام و اهل ایمان از برکت تو پا بر جا شدند و بسیار بسیار پیشی گرفتی و پس از تو هر کس هر چه بکوشد به درجه تو نرسد

فَجَلَلْتَ عَنِ الْبُكاءِ وَعَظُمَتْ رَزِيَّتُكَ فِي السَّماءِ وَهَدَّتْ مُصِيْبَتُكَ الأَنامَ، فَإِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ. رَضِينا عَنِ اللهِ قَضَاءَهُ، وَسَلَّمْنا لِلّهِ أَمْرَهُ فَوَاللهِ لَنْ يُصابَ الْمُسْلِمُونَ بِمِثْلِكَ أَبَداً كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ كَهْفاً وَحِصْناً وَقُنَّةً راسِياً وَعَلَى الْكافِرِينَ غِلْظَةً وَغَيْظاً فَأَلْحَقَكَ اللهُ بِنَبِيّهِ وَلا حَرَمَنا أَجْرَكَ وَلا أَضَلَّنا بَعْدَكَ.

تو بزرگتر از آنی که مصیبت تو با گریه جبران شود، مرگ تو در آسمان بزرگ جلوه کرد و مصیبت تو مردم را خرد کرد فإنا لِلّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ ما به قضاء خدا راضی و نسبت به فرمانش تسلیم هستیم، به خدا سوگند مسلمین هرگز کسی را مانند تو از دست ندهند، تو برای مؤمنین پناه و سنگر و مانند کوهی پا برجا و بر کافران خشونت و خشم بودی، خدا ترا به پیغمبرش برساند و ما را از اجرت محروم نسازد و بعد از تو گمراه نگرداند.

مردم همه خاموش بودند تا سخنش تمام شد.او گریست و اصحاب پیغمبر (صلی اللَّه علیه و آله) گریستند سپس هر چه جستند او را نیافتند.

بحار الأنوار - علامه مجلسي - ج ۹۷ - صفحه ۳۵۵.

در مناقب آل أبي طالب (عليهم السّلام) ابن شهرآشوب در پايان اين نقل چنين آمده است:«فَالْتَفَتُوا فَلَمْ يَرَوْا أَحَداً فَسُئِلَ الْحَسَنُ (ع) مَنْ كَانَ الرَّجُلُ قَالَ الْخَضِرُ (ع): هر چه گشتند او را نيافتند پس از حضرت امام حسن (عليه السّلام) پرسيدند آن مرد كه بود؟ فرمودند: **خضر** (عليه السّلام) بود.»

مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، جلد ۲، صفحه ۳۴۷.

اللهم العن قتلة أمير المؤمنين

عظم الله أجوركم جميعاً ياموالين بهذا المصاب الجلل

اَللّـهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ

وَعَلى آبائِه في هذِهِ السَّاعَةِ وَفي كُلِّ ساعَة وَلِيّاً وَحافِظاً وَقائِداً

وَناصِراً وَدَليلاً وَعَيْنا حَتّى تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فيها طَويلاً